

بررسی رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی قبل و بعد از انقلاب

شراره علا*

دکتر عبدالحسین فرزاد**

چکیده

یکی از مباحث اصلی در نقد اصالت زن (فمینیسم) و زبان‌شناسی، تفاوت زبان مرد و زن است که در همه جنبه‌های زبان، قابل مشاهده می‌باشد. در گذشته هیچ‌گاه زن را مخاطب و خواننده نمی‌دانستند، از این رو مردان برای مردان می‌نوشتند و حتی بهترین زبان را از آن مردان می‌دانستند و بهترین گفتار از آن می‌دانستند که بیانش مردانه باشد. این تسلط مردانه بر زبان و اجزای زبان نیز پیداست؛ اما در داستان‌پردازی معاصر به جنسیت توجه ویژه شده است. پژوهش حاضر به بررسی تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان در رمان‌های معاصر قبل و بعد از انقلاب می‌پردازد. هدف از این تحقیق، بررسی این مسأله است که آیا عامل جنسیت به بروز تفاوت‌های نوشتاری در حوزه واژگان و نحو منجر می‌شود یا خیر؟ در این پژوهش سه رمان، سووشون، خانه ادیسی‌ها و چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم از نویسندگان زن و سه رمان شوهر آهو خانم، شازده احتجاب و همسایه‌ها از نویسندگان مرد تحلیل و بررسی می‌شود. رمان‌های بررسی شده با مشخصه‌های زبانی در حوزه واژگان بررسی شده‌اند و معیار این بررسی دیدگاه‌های رابین لیکاف (۱۹۷۵) در آراء الگوهای زنانه در گفتار است. بر اساس دیدگاه لیکاف، زنان با مردان به هنگام سخن گفتن یا نوشتن در استفاده از این موارد متفاوت‌اند. استفاده دقیق از رنگ واژه‌ها، فرم‌های مؤدبانه، قیدهای تشدیدکننده، صفات تهی، گفتار غیرمستقیم، پرهیز از رکاکت و دشواژه‌ها و تأکید بر تشدیدکننده‌ها، تحلیل آماری هر یک از مشخصه‌ها نشان داد عملکرد زنان نویسنده فارسی‌زبان در زمینه استفاده از موارد فوق با دیدگاه‌های لیکاف سازگاری دارد و آن را تایید می‌کند.

واژه‌های کلیدی

رمان فارسی، نوشتار زنانه، نوشتار مردانه، جنسیت، زبان

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۵

انسان هرگز فقط زن یا فقط مرد نیست و طبقه‌بندی‌های جنسی با سن، طبقه، نژاد و بسیاری چیزهای دیگر تغییر می‌کند. جنسیت حتی بیش از زبان بر شالوده زیست‌شناختی مبتنی است؛ در واقع، همه فرهنگ‌ها، مردم را از زمان تولد به دو طبقه جنسی مؤنث و مذکر تقسیم می‌کنند. در بیشتر گروه‌های اجتماع، رفتارهای اجتماعی، طبقه‌بندی جنسی با روابط قدرت، تقسیم کار و تنظیم بسیاری دیگر از عرصه‌های زندگی مرتبط است. ماهیت و جوهره جنسیت رفتارهای اجتماعی و جهت‌گیری‌ها و توقعاتی که رفتارهای اجتماعی را شکل داده و از آن‌ها حمایت می‌کنند، است.

هرچند در بسیاری از جوامع امروزی، زنان و مردان به‌طور مشترک در بیشتر فعالیت‌های اجتماعی شرکت دارند اما به نظر می‌رسد که در برخی زمینه‌ها زنان و در برخی مردان، نقش فعال‌تری دارند، این امر سبب تفاوت‌های زبانی معینی میان این دو گروه می‌گردد و هرچند تفاوت‌های میان نقش‌های اجتماعی آنان در یک جامعه خاص عظیم‌تر و جدی‌تر باشد، تفاوت‌های زبانی عظیم‌تر و شدیدتر خواهد بود.

در میان عوامل غیرزبانی مانند طبقه اجتماعی، سن، تحصیلات و موقعیت خانوادگی، شغل و غیره، جنسیت نقش مهمی در بروز گوناگونی‌های زبانی دارد و در برخی از جوامع، تفاوت‌ها در اکثر حوزه‌های زبانی مانند نحوی، واژگانی و کاربردی به چشم می‌خورد اما در برخی دیگر تفاوت‌ها چندان آشکار نیست و فقط مربوط به یکی از حوزه‌های زبانی است. به اعتقاد برخی از پژوهش‌گران، تفاوت در برخی از زبان‌ها در حوزه واژگان است. (باطنی، ۱۳۷۵: ۳۳)

هم‌چنین شغل افراد باعث می‌شود تا در زبان خود، اصطلاحات، واژه‌ها و کنایات و ضرب‌المثل‌های مرتبط با آن را به کار ببرد. «هر حرفه‌ای مجموعه اصطلاحات مربوط به خود دارد، این قبل اصطلاحات‌ها حرفه‌ای و واژه‌های عامیانه، دارای ویژگی‌های مشترکی هستند و فقط برخی آن را به کار می‌برند.» (فالك، ۱۳۷۲: ۱۰۶)

تجارب معمولی و روزمره نشان می‌دهد که مشاغل مختلف، آثار مختلفی بر طبیعت

بررسی رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷
اشخاص به جا می‌گذارد: «افراد وابسته به یک طبقه اجتماعی که ویژگی‌های اجتماعی -
اقتصادی مشابهی دارند، از نظر رفتار زبانی تشابه بیشتری با یکدیگر نشان می‌دهد» (مدرسی،
۱۳۸۷: ۱۴۸)

افراد طبقه بالا زبانی رسمی‌تر دارند، «طبقات اجتماعی بالا، نسبت به رفتار زبانی خود
حساسیت بیشتری دارند.» (همان: ۵۱)

جنسیت از ابزارهای مهم تعیین‌کننده زبان است، در جوامع مختلف و فرهنگ‌های گوناگون
این نوع بینش، از لحاظ شدت و ضعف تفاوت دارد، فرهنگ یا محیطی که مرد یا زن در آن
پرورش یافته‌اند، بر زبان و جنسیت آنان تأثیر دارد و واژه‌ها تابو در زبان‌شان در پیوند با ایفای
نقش آنان به‌عنوان یک زن یا مرد است، به همین دلیل کارکرد زبانی زن و مرد تا حدی متفاوت
است. (نرسیسیان، ۱۳۸۱: ۱۰۰)

یکی از تفاوت‌های زنان و مردان، تفاوت در رفتار زبانی آنهاست. در حقیقت، جنسیت،
تأثیر مستقیمی بر گفتار انسان‌ها دارد. همان‌طور که این تفاوت‌ها در گفتار و شیوه صحبت
کردن افراد وجود دارد، می‌تواند در نوشتار نیز نمود پیدا کند.

هدف از پژوهش حاضر، تعیین و بررسی تفاوت‌های نوشتاری نویسندگان زن و مرد
ایرانی در ادبیات معاصر است. اینکه آیا جنسیت نویسنده بر سبک نگارش و شیوه به‌کارگیری
مشخصه‌های زبانی مؤثر است یا نه و اگر چنین است چه تفاوت‌های واژگانی در زبان
نوشتاری زنان و مردان نویسنده وجود دارد؟

پیکره زبانی پژوهش حاضر، شش رمان معاصر ایرانی قبل و بعد از انقلاب است. از میان
این رمان‌ها سه رمان را نویسندگان مرد ایرانی و سه رمان را نویسندگان زن ایرانی نوشته‌اند در
جدول زیر نام رمان و اطلاعات کامل آن‌ها آمده است:

جدول ۱: مشخصات زمان‌های مورد مطالعه

نام رمان	نویسنده	جنسیت	ناشر	تاریخ نشر
سوشون	سیمین دانشور	زن	خوارزمی	۱۳۹۱
خانه ادیسی‌ها	غزال علیزاده	زن	توس	۱۳۸۷
چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم	زویا پیرزاد	زن	مرکز	۱۳۹۰
شوهر آهوخانم	علی محمد افغانی	مرد	نگاه	۱۳۹۱
شازده احتجاب	هوشنگ گلشیری	مرد	نیلوفر	۱۳۸۴
همسایه‌ها	احمد محمود	مرد	امیرکبیر	۱۳۵۷

پیشینه تحقیق

در دهه هفتاد میلادی پژوهش‌گرانی چون سایپر، کراج و... مطالعه در حوزه زبان و جنسیت پرداختند. حاصل مطالعات آن‌ها که قرار است در رمان‌های مورد نظر در این پژوهش مبنای عمل قرار گیرد به شرح زیر است. لیکاف که جامعه‌شناس است، نخستین کسی است که مسأله زبان و جنسیت را مطرح کرد. او معتقد است که زبان زنان از زبان مردان پست‌تر است. زیرا شامل انگاره‌های ضعف و عدم قطعیت است و بر مطالب بی‌اهمیت و غیر جدی و واکنش‌های عاطفی تأکید دارد. به نظر او زبان مردان نیرومندتر است. هم‌چنین زبان‌شناسی بریتانیایی نیز موفق به کشف تفاوت‌هایی در زبان مردان و زنان گردید. او معتقد است مکالمات صرفاً مردانه مانند سخنرانی به شکل یک رشته نمایش یک نفر است و مکالمه زنانه بیشتر بر پایه همکاری و مشارکت است. دو پژوهش‌گر دیگر به نام «پنلوپه واسپندر» معتقدند زنان از بنیاد آماج سرکوب زبانی هستند؛ زیرا زیر سیطره مردانند. هم‌چنین «شوالتر» معتقد است زبان زنان با مردان تفاوت عمیق دارد.

لازم به ذکر است بیشتر پژوهش‌های پیشین که در مورد زبان و جنسیت انجام گرفته، در حوزه گفتار بوده است؛ اما پژوهش‌هایی که بر روی متون ادبی انجام شده باشد، بسیار کم است، شاید دلیل این امر این تصور باشد که تفاوت‌های زبانی که بین مردان و زنان وجود دارد

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی قبل و بعد از انقلاب ۱۰۹

با صراحتی که در گفتار مشخص می‌شود، در نوشتار مشهود نیست اما انتظار می‌رود که تفاوت‌های جنسیتی، در آثار فرهنگی مخصوصاً رمان‌ها خود را بیشتر نشان دهد. در میان عوامل مؤثر در پیدایش و تحول زبان، نقش عوامل اجتماعی برجسته‌تر به نظر می‌رسد. ویژگی اجتماعی زبان، آن را با بسیاری از پدیده‌ها و عوامل اجتماعی - فرهنگی پیوند می‌دهد.

اگرچه مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی تحت تأثیر فمینیسم، از دهه شصت به این طرف به صورت علمی و به‌عنوان نگرشی آگاهانه در عرصه زبان‌شناسی مطرح شد و مطالعه زبان را دچار تحولات بنیادین کرد؛ ولی قبل از آن نیز مطالعات مردم‌شناسی و گویش‌شناسی - که از قرن هفدهم به بررسی تفاوت‌های میان گویشوران مرد و زن می‌پرداخت.

به هر حال پیشینه تحقیقات در این زمینه به اوایل دهه هفتاد میلادی برمی‌گردد. سایر (۱۹۲۹)، لباو (۱۹۷۲)، لیکاف (۱۹۷۳)، برند (۱۹۷۵)، دوبوا و کراچ (۱۹۷۵)، ترادگیل (۱۹۸۳)، بارون (۱۹۸۶)، کامرون (۱۹۸۹) و... از جمله پژوهش‌گران جهانی در این زمینه‌اند.

عسگری (۱۳۷۵)، نوشین فر (۱۳۷۴)، برزگر آق قلعه (۱۳۷۸)، فارسیان (۱۳۷۸)، جان‌نژاد (۱۳۸۰) و مدرسی (۱۳۸۷) نیز با انجام پایان‌نامه‌هایی زوایی از این موضوع را در زبان فارسی بررسی کردند و با استفاده از نظریات اندیشمندان جهان به معیارهایی کلی دست یافتند. پژوهش‌گران دیگری چون نجم‌آبادی (۱۳۷۷)، علی‌نژاد (۱۳۸۱)، نوشین فر (۱۳۸۱)، بهمنی و باقری (۱۳۹۱) نیز در باب رابطه زبان و جنسیت مقالاتی نوشته‌اند و به پژوهش‌های زبانی زنانه و مردانه در زبان فارسی غنا بخشیدند.

در این مقاله ابتدا با استفاده از نظریه لیکاف (۱۹۷۵) به توضیح پاره‌ای از مشخصات گفتار زنان می‌پردازیم. سپس در ادامه با استفاده از مشخصه‌های زبانی، رمان‌های مطالعه شده را تحلیل و بررسی می‌کنیم. برخی از مشخصات گفتار زنان از نظر لیکاف عبارت‌اند از:

استفاده مکرر از تردیدنماها مانند *sort of* و *kind of*؛ تردیدنماها کلماتی هستند که حس تردید و درنگ گوینده را به مخاطب القا می‌کنند. به باور لیکاف، گوینده با به کار بردن این کلمات، از اظهار نظر قطعی می‌پرهیزد. او باور دارد که زنان در طول گفتارشان با استفاده مکرر

۱۱۰ بررسی رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی قبل و بعد از انقلاب

از تردیدنا به نوعی از جواب دادن طفره می‌روند. هم‌چنین زنان با استفاده زیاد از صفات تقریبی مانند (almost و rather) بر این نکته صحنه بیشتری می‌گذارند.

کاربرد فرم‌های مؤدبانه زبان و پرهیز از کاربرد دشواژه‌ها

استفاده از قیده‌های تشدیدکننده در زبان مانند خیلی.

استفاده از صفت‌های تهی مانند lovely, divine؛ این صفات بدان سبب تهی نامیده می‌شوند

که به‌رغم آن‌که مانند بقیه صفات اسم را توصیف می‌کنند برایشان نمی‌توان معنای صریح و دقیقی تعریف کرد.

استفاده از نقل قول مستقیم

داشتن لغات خاص؛ زنان از واژه‌هایی استفاده می‌کنند که مربوط به علایق خاص آن‌ها در حوزه‌های مختلف است مانند magenta (زرشکی روشن)، shirr (پارچه بدن‌نما)، dart (سازون). اگر مردی از این قبیل واژه‌ها در گفتارش استفاده کند، دیگران آن را شوخی و مزاح تلقی می‌کنند. استفاده نکردن از زبان خشن یا مردانه؛ از نظر لیکاف، نوشتار زنان ویژه خود آن‌ها است. به همین دلیل از اصطلاحات نوشتار زنانه استفاده می‌کند؛ که اصطلاحی در فمینیسم فرانسوی است و به گفتمانی اشاره دارد که ویژه زنان است و به عواطف و ناشناخته‌ها نزدیک‌تر است.

استفاده از گفتار غیرمستقیم برای درخواست. (لیکاف، ۱۹۷۵: ۵۴)

در این پژوهش تلاش شده است تا رمان‌ها در حوزه واژگان بررسی شوند. این رمان‌ها در این حوزه با مشخصه‌های زبان‌شناختی مانند رنگواژه‌ها، تردیدنماها، دشواژه‌ها، تشدیدکننده‌ها و صفات بررسی خواهند شد. تعداد هر یک از مشخصه‌ها در رمان‌های مطالعه شده با جدول و نمودار مشخص خواهند شد. تعداد هر یک از مشخصه‌ها در رمان‌های مطالعه شده با جدول و نمودار مشخص می‌شوند و سپس نتیجه‌گیری کلی از تفاوت‌های زبانی در نوشتار زنان و مردان ارائه خواهد شد.

تحلیل داده‌ها

رنگ واژه‌ها

رنگ یکی از ابزارهای روانشناسان برای شناخت روان آدمی است و هرچند واقعیتی مادی و محسوس است؛ اما گرایش هر فرد به رنگی خاص، حکایت از شرایط استفاده از این عناصر ساده و گزینش آن، بستگی به مسائل مختلفی دارد که می‌تواند در نهایت برای هر شخص ایجاد باور، علاقه و سلیقه و آرزوهای خاص نماید. با بررسی دقیق این عنصر می‌توان تا حد قابل توجهی به افکار، روحیات و جنسیت برگزیننده آن پی برد. لیکاف معتقد است خانم‌ها خیلی دقیق‌تر از آقایان رنگ‌ها را می‌شناسند و نام‌گذاری می‌کنند. کاربرد کلمه‌هایی مانند نخودی و سبز مایل به آبی، در گفتار خانم‌ها، چشمگیر است ولی اکثر مردها به کار نمی‌برند. (لیکاف، ۱۹۷۵: ۱۲)

خسرونزاد که به بررسی و مقایسه ده داستان کوتاه فارسی و انگلیسی پرداخته است، بیان می‌کند تعداد و تنوع رنگ واژه‌ها در متون زن نگاهشته چه در فارسی و چه در انگلیسی بیش‌تر است.

در واقع یکی از تمایزهایی که در نوشتار زنان و مردان دیده می‌شود، تفاوت آن‌ها در به کار بردن رنگ واژه‌هاست. رنگ‌هایی که نویسندگان مرد در متون خود به کار می‌برند، معمولاً رنگ‌های اصلی‌اند. ولی زنان به طیف گسترده‌ای از رنگ‌ها توجه نشان می‌دهند و در نامیدن رنگ‌ها به جزئیات بیشتری توجه دارند. آقایان معمولاً فقط رنگ‌های ساده را می‌شناسند؛ مانند زرد، قرمز، آبی، مشکی و صورتی و به جزئیات رنگ‌ها توجه نشان نمی‌دهند و برایشان مهم نیست که رنگ وسیله‌ای، سبز روشن باشد یا سبز تیره، زیرا از نظر آن‌ها رنگ آن وسیله سبز است و نه رنگ دیگری. ظاهراً این‌گونه به نظر می‌رسد که آقایان فکر می‌کنند نیازی ندارند که به مسائل بی‌اهمیت بپردازند و این مسائل مربوط به خانم‌هاست. مگر این‌که مردان به اعتبار شغل خود، مشاغلی همچون فروش اتومبیل، فرش، عتیقه‌جات، رنگ و ... به مقوله رنگ حساس باشند.

۱۱۲ بررسی رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی قبل و بعد از انقلاب

تحلیلی که بر این شش رمان انجام شد، نشان می‌دهد که این مسأله در حوزه نوشتار، خود را به خوبی نشان می‌دهد و زنان نویسنده در به کار بردن رنگ‌ها دقت بیشتری به خرج می‌دهند و طیف‌های گسترده‌تری از رنگ‌ها را در نوشتار خود به کار می‌برند؛ اما نویسندگان مرد معمولاً فقط از رنگ‌های اصلی استفاده می‌کنند. در رمان‌های بررسی شده، مشاهده گردید که زنان نویسنده در کاربرد رنگ‌ها، دقت بیشتری به خرج می‌دهند. در حالی که نویسندگان مرد، فقط رنگ‌های اصلی را به کار برده‌اند. در جدول زیر، تعداد رنگ‌های به کار رفته در رمان‌های مورد بحث را نشان می‌دهد.

جدول ۲: تعداد رنگ‌واژه‌ها

رمان	تعداد کل	تعداد مردها	درصد مردها	تعداد زنان	درصد زنان
سووشون	۴۵	۲۲	۴۸/۸۸	۲۳	۵۱/۱۲
خانه ادیسی‌ها	۲۳۸	۱۳۵	۵۶/۷۲	۱۰۳	۴۳/۲۸
چراغ را من خاموش می‌کنم	۲	۰	۰	۲	۱۰۰
شوهر آهو خانم	۳۹	۱۱	۲۸/۲۰	۲۸	۷۱/۸۰
شازده احتجاب	۴	۱	۲۵	۳	۷۵
همسایه‌ها	۲۷	۲۴	۸۸/۸۸	۳	۱۱/۱۲
مجموع	۳۵۵	۱۹۳	۵۴/۳۷	۱۶۲	۴۵/۶۳

جدول ۳: رنگ‌های به کار رفته در رمان‌های مورد مطالعه

نوع رنگ	تعداد رنگ واژه‌ها در رمان‌های زنانه	تعداد رنگ واژه‌ها در رمان‌های مردانه
سیاه	۶۲	۲۴
سفید	۳۴	۱۳
سبز	۱۳	۲
زرد	۱۹	۴
قرمز	۵	۴

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی قبل و بعد از انقلاب ۱۳۳۸

نوع رنگ	تعداد رنگ واژه‌ها در رمان‌های زنانه	تعداد رنگ واژه‌ها در رمان‌های مردانه
آبی	۹	۵
ارغوانی	۵	-
خاکستری	۴	-
سرخ	۲۷	۳
بور	-	۳
زرشکی	-	۲
طلایی	-	۲
زاغ	-	۲
زرین	-	۱
آبی آسمان	-	۱
رنگ دریا	-	۱
کهربایی	-	۱
مجموع		

جدول فوق نشان می‌دهد که در سه رمان نوشته شده از سوی زنان ۲۸۵ بار به رنگ‌ها اشاره شده است؛ در حالی که در سه رمان نوشته شده از سوی مردان ۷۰ بار از رنگ‌ها استفاده شده است. جدول ۳ رنگ‌های به کار رفته در رمان‌های مطالعه شده را نشان می‌دهد. این جدول به خوبی نشان می‌دهد که زنان در نوشتار خود از رنگ واژه‌های بیشتری استفاده می‌کنند و به نظر می‌رسد رنگ واژه‌ها یکی از مشخصه‌هایی هستند که نوشتار زنان را از مردان متمایز می‌کند. بر اساس جدول شماره ۳ در نوشتار زنان فقط ۹ نوع رنگ که همگی رنگ‌های اصلی‌اند به کار رفته‌اند اما در نوشتار مردان ۱۵ نوع رنگ به کار رفته است. رنگ‌هایی مانند ارغوانی، طلایی، زاغ، زرین، آبی آسمانی، رنگ دریا، کهربایی، زرشکی، بور، در نوشتار زنان به کار نرفته است. هم‌چنین رنگ‌های سیاه، سفید، سبز، زرد، آبی و قرمز رنگ‌هایی هستند که هم در رمان‌های زنان و هم در رمان‌های مردان به کار رفته است. در رمان سووشون رنگ سیاه ۳۰ بار و در رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم ۱۵ بار به کار رفته است.

دشوآژه‌ها

دشوآژه‌ها (واژه‌های دشوار): یکی از جالب‌ترین مصادیق تأثیر فرهنگ و ارزش‌های جامعه بر زبان، پدیده‌ای موسوم به دشوآژه باشد. دشوآژه‌ها صورت‌های زبانی هستند که ذکر آن‌ها از لحاظ فرهنگی، مذهبی و اجتماعی ناشایست تلقی می‌شود و به کارگیری نادرست و نا بجای آن‌ها احیاناً منجر به سرافکنندگی یا از دست دادن موقعیت اجتماعی فرد می‌شود؛ اما در گفتار قشرهایی از جامعه به وفور به کار می‌رود. برخی از این واژه‌ها فحش و ناسزا هستند که خود نشان‌دهنده بار منفی فرهنگی آن‌هاست. هم‌چنین ذکر اعضای تناسلی، ذکر مدفوعات بدن و عمل دفع و محل آن‌ها در خصوص مسائل جنسی، ناسزاها و الفاظ رکبیک را می‌توان در زمره این دسته قرار داد. (اریاب، ۱۳۹۱: ۱۱۲)

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که زنان بیش‌تر دشوآژه‌هایی را که مربوط به حوزه‌های بیماری‌ها، مرگ، حالات روانی - جسمی و خانواده است به کار می‌برند و کمتر از دشوآژه‌های مربوط به حوزه‌های جنسی - خانوادگی و جنسی - خوراک می‌باشد و این امر نشان‌دهنده آن است که کاربرد دشوآژه‌های زنان و مردان بر اساس انتخاب حوزه‌های واژگانی آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. (اریاب، ۱۳۹۱: ۱۲۳)

زبان‌شناسان معتقدند زنان گرایشی ذاتی به استفاده از صورت‌های مؤدبانه‌تر دارند زیرا فرآیند اجتماعی شدن آن به‌گونه‌ای است که جامعه همیشه از آن‌ها رفتاری صحیح‌تر و بهتر انتظار دارد. همین کنترل اجتماعی باعث شده تا زنان از کاربرد دشوآژه‌ها بپرهیزند و در اندک موارد استفاده بیشتری از صورت‌های زشت و بی‌ادبانه استفاده نمایند. به همین جهت است که لیکاف، زبان‌شناس معروف، زنان را استادان استفاده از حسن بیان می‌داند؛ اما مردان در عرصه‌های گفتار بسیار رقابت‌گرا و در پی نشان دادن غلبه و برتری خود بر طرف مقابل هستند و از نظر اجتماعی نیز آزادی‌های بیشتری دارند و دلیل این‌که خیلی بیشتر از زنان از دشوآژه‌ها به‌خصوص نوع رکبیک آن استفاده می‌کنند، همین است. تحلیل شش رمان مطالعه شده در این پژوهش نشان داد که زنان نویسنده در مقایسه با نویسندگان مرد از دشوآژه‌های بیشتری در نوشتار خود استفاده کرده‌اند.

جدول ۴: تعداد دشواژه‌ها

رمان	تعداد کل	تعداد مردها	درصد مردها	تعداد زنان	درصد زنان
سووشون	۴۶	۱۶	۳۴/۷۹	۳۰	۶۵/۲۱
خانه ادیسی‌ها	۲۵۰	۶۱	۲۴/۰۴	۱۸۹	۷۵/۰۶
چراغ را من خاموش می‌کنم	۲۷	۲	۷/۴۰	۲۵	۹۲/۶۰
شوهر آهو خانم	۱۲۱	۵۷	۴۷/۱۱	۶۴	۵۲/۸۹
شازده احتجاب	۲۱	۱۶	۷۶/۲۰	۵	۲۳/۸۰
همسایه‌ها	۷۸	۶۴	۸۲/۰۵	۱۴	۱۷/۹۵
مجموع	۵۴۳	۲۱۶	۵۴/۶۵	۳۲۷	۴۵/۳۵

جدول فوق نشان می‌دهد که زنان در مقایسه با مردان از واژه‌های تابوی بیشتری از مردان استفاده کرده‌اند. در سه رمان نوشته‌شده از سوی زنان، ۳۲۳ بار واژه‌های تابو به کار رفته است در حالی که در سه رمان نوشته‌شده از سوی مردان ۳۰۵ بار دشواژه‌ها به کار رفته‌اند. به همین دلیل به نظر می‌رسد کاربرد دشواژه‌ها یکی دیگر از تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان باشد.

تشدیدکننده‌ها

تشدیدکننده‌ها عباراتی مانند فقط، حتماً، خیلی، حقیقتاً، صد درصد، صدبار و... هستند که شدت و تأکید را به گفتار می‌افزایند. لیکاف و وارده‌وگ معتقدند زنان به خاطر اینکه از دسترسی به قدرت در جامعه محروم شده‌اند، از استراتژی‌های زبانی دیگری برای ابراز و به دست آوردن جایگاه خود در اجتماع استفاده می‌کنند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد در برخوردهای مختلط کاربرد تشدیدکننده‌ها به وسیله زنان نسبت به مردان بیشتر است و بنا بر این تفاوت استفاده مردان و زنان از استراتژی‌های زبانی را می‌توان به نقش‌های متفاوتی که آن‌ها در اجتماع دارند، نسبت داد. (غفار ثمر و علی بخشی، ۲۰۰۷: ۶۷)

پژوهش خسرونژاد بر روی متون نوشتاری نشان می‌دهد در داستان‌های کوتاه مرد نگاهشسته،

۱۱۶ بررسی رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی قبل و بعد از انقلاب

فراوانی استفاده از تشدیدگرها در بین کاراکترهای مرد بیشتر از زنان و در داستان‌های زن نگاشته استفاده از تشدیدگرها در بین کاراکترهای زن بیشتر از کاراکترهای مرد بوده است. هم‌چنین نتایج آن پژوهش نشان می‌دهد، در مجموع استفاده از تشدیدگرها در متون زن نگاشته بیشتر از متون مرد نگاشته است. (خسرونژاد، ۲۰۰۷: ۶۹).

در پژوهش حاضر با تحلیلی که بر شش رمان انجام شد، مشاهده شد که زنان در حوزه نوشتار نیز از تشدیدکننده‌های بیشتری از مردان استفاده می‌کنند. عباراتی مانند «بسیار بسیار خوب»، «خیلی گران»، «خیلی علاقه من» و «واقعاً» در رمان‌های زنان نویسنده زیاد به کار رفته بودند؛ اما در رمان‌های نویسندگان مرد، کلماتی مانند «مطلقاً»، «کاملاً» و «بی‌نهایت» بیشتر به منزله تشدیدکننده به کار رفته‌اند.

جدول ۵: تعداد تشدیدکننده‌ها

رمان	تعداد کل	تعداد مردها	درصد مردها	تعداد زن‌ها	درصد زن‌ها
سووشون	۱۰۶	۵۹	۵۵/۶۶	۴۷	۴۴/۳۴
خانه ادریسی‌ها	۲۱۲	۱۰۵	۴۹/۵۳	۱۰۷	۵۰/۴۷
چراغ را من خاموش می‌کنم	۲۲	۶	۲۷/۲۷	۱۶	۷۲/۷۳
شوهر آهو خانم	۱۷۸	۸۶	۴۸/۳۱	۹۲	۵۱/۶۹
شازده احتجاب	۱۱	۴	۳۶/۳۶	۷	۶۳/۶۴
همسایه‌ها	۶۰	۵۲	۸۶/۶۶	۸	۱۳/۳۴
مجموع	۵۸۹	۳۱۲	۵۲/۹۷	۲۷۷	۴۷/۰۳

جدول ۵ نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان در نوشتار خود تشدیدکننده را به کار می‌برند. زنان معمولاً سعی می‌کنند توصیف خود را اغراق‌آمیز جلوه دهند، اما مردان معمولاً توصیف‌های ساده‌ای ارائه می‌دهند؛ بنا بر این استفاده از تشدیدکننده‌ها نیز می‌تواند یکی دیگر از عوامل تفاوت در نوشتار زنان و مردان باشد.

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

صفت‌ها

لیکاف معتقد است، بعضی صفات مانند «فوق‌العاده» و «عالی» از نظر بار معنایی خنثی هستند؛ یعنی هر دو جنس آن‌ها را به کار می‌برند درحالی‌که گروهی از صفات مانند «قابل‌پرستش» و «جذاب» تنها در گفتار زنان وجود دارد. (لیکاف، ۱۹۷۵: ۱۳).

لیکاف بر این باور است که زنان در گفتار خود از صفات بیشتری نسبت به مردان استفاده می‌کنند. زنان به‌طورکلی بیشتر به جزییات توجه می‌کنند و سعی دارند هر چیزی را درست و کامل توصیف کنند اما مردان معمولاً کمتر به جزییات توجه می‌کنند و بیشتر به کلیات توجه دارند. مردان معمولاً درباره سیاست و مسائل کاری و اجتماعی وارد جزییات می‌شوند و جزییات مسائل برایشان اهمیت دارد؛ اما توصیف اشخاص و وسایل برایشان چندان اهمیت ندارد؛ بنا بر این هنگام توصیف اشخاص یا وسایل خیلی ساده و کلی منظورشان را القا می‌کنند.

جدول ۶: صفات و واژه‌های عاطفی

رمان	تعداد کل	تعداد مردها	درصد مردها	تعداد زنان	درصد زن‌ها
سووشون	۱۳۹	۸۵	۶۱/۱۵	۵۴	۳۸/۱۵
خانه ادیسی‌ها	۱۲۱	۵۴	۴۴/۶۳	۶۷	۵۵/۳۷
چراغ را من خاموش می‌کنم	۱۵	۴	۲۶/۶۷	۱۱	۷۳/۳۳
شوهر آهو خانم	۱۴۸	۵۵	۳۷/۱۶	۹۳	۶۲/۸۴
شازده احتجاب	۸	۶	۷۵	۲	۲۵
همسایه‌ها	۳۷	۲۸	۷۵/۶۸	۹	۲۴/۳۲
مجموع	۴۶۸	۲۳۲	۷۹/۵۷	۲۳۶	۵۰/۴۳

طبق جدول شماره ۶ در رمان‌های زنان نویسنده، ۴۰۷ صفت به کار رفته؛ درحالی‌که در رمان‌های نویسندگان مرد ۲۸۶ صفت استفاده شده است. همان‌طور که اشاره شد، زنان از

۱۱۸ بررسی رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی قبل و بعد از انقلاب

صفات بیشتری در نوشته‌های خود نسبت به مردان استفاده می‌کنند. بنا بر این به نظر می‌رسد که تعداد صفت‌ها در متن یکی‌ای معیارهای مهم برای تمایز نوشتار زنان از مردان است.

تعدیل‌کننده‌ها

تعدیل‌کننده‌ها صورت‌های زبانی هستند که عدم اطمینان گوینده را در خصوص موضوع موردبحث بیان می‌کنند. برای مثال عباراتی مانند: «فکر می‌کنم، به نظرم، گمان می‌کنم، شاید، ممکن است، احتمالاً، نمونه‌هایی از تعدیل‌کننده‌ها محسوب می‌شوند. در تاریخچه مطالعات زبان و جنسیت، گفتار زنان را به دلیل به‌کارگیری تعدیل‌کننده‌ها، گفتار تردید توصیف کرده‌اند. لیکاف معتقد است که زنان بیشتر از مردان از تعدیل‌کننده‌ها استفاده می‌کنند و دلیل آن را نحوه خاص اجتماعی شدن آنان می‌داند، او می‌گوید: «زنان به‌گونه‌ای اجتماعی شده‌اند که این باور در آن‌ها رشد یافته که بیان و اظهار قاطع و با اطمینان، خصیصه شایسته یک زن نیست و یک رفتار زنانه محسوب نمی‌شود.» (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۰۹)

علت استفاده بیشتر زنان از تعدیل‌کننده‌ها را عدم قاطعیت و اطمینان آن‌ها می‌داند. او سه عملکرد را برای تعدیل‌کننده‌ها شناسایی کرده است:

- ۱- عدم اطمینان گوینده را نشان می‌دهد؛
- ۲- در حالت‌های مؤدبانه به‌کاربرده می‌شود؛
- ۳- از مشخصه‌های زبان زنانه است، کسانی که از قدرت در جامعه برکنار هستند. (نعمتی، ۲۰۰۷: ۱۹۰).

پژوهش خسرونژاد نیز نشان می‌دهد فراوانی کاربرد تعدیل‌گرها در داستان‌های زن نوشته بسیار بیش‌تر از داستان‌های مرد نوشته است.

از نظر لیکاف دلیل استفاده بیشتر زنان از تعدیل‌کننده‌ها آن است که زنان معمولاً از گفتارهای قطعی می‌پرهیزند و در گفتار آن‌ها نوعی تردید و دودلی وجود دارد. از نظر لیکاف کاربرد تعدیل‌کننده‌ها در گفتار زنان می‌تواند به دلیل پایین بودن اعتمادبه‌نفس آن‌ها یا موقعیت

بررسی رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی قبل و بعد از انقلاب ۱۱۹ □
 متزلزلشان در اجتماع مردسالار باشد. یک دلیل دیگر نیز می‌تواند این باشد که زنان معمولاً سعی دارند گفتار آن‌ها مؤدبانه باشد و به همین دلیل با تردید و مکث صحبت می‌کنند تا مطمئن باشند که از کلمات و فرم‌های مؤدبانه زبان استفاده می‌کنند. (لیکاف، ۵۵)
 داده‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که زنان نویسنده در روایت رمان‌های خود بیشتر از نویسندگان مرد از تعدیل‌کننده‌ها استفاده کرده‌اند.

جدول ۷: تعدیل‌کننده‌ها

رمان	تعداد کل	تعداد مردها	درصد مردها	تعداد زن‌ها	درصد زن‌ها
سووشون	۳۴	۱۵	۴۴/۱۲	۱۹	۵۵/۸۸
خانه ادیسی‌ها	۸۳	۳۹	۴۶/۹۹	۴۴	۵۳/۰۱
چراغ را من خاموش می‌کنم	۶	۱	۱۶/۶۷	۵	۸۳/۳۳
شوهر آهو خانم	۸۱	۴۳	۵۳/۰۹	۳۸	۴۶/۹۱
شازده احتجاب	۲	۱	۵۰	۱	۵۰
همسایه‌ها	۲۱	۱۷	۸۰/۹۵	۴	۱۹/۰۵
مجموع	۲۲۷	۱۱۶	۵۱/۱۰	۱۱۱	۴۸/۹۰

طبق جدول شماره ۷ در رمان‌های زنان نویسنده، ۱۹۱ تعدیل‌کننده به‌کاررفته؛ درحالی‌که در رمان‌های نویسندگان مرد ۱۴۷ بار استفاده شده است. همان‌طور که اشاره شد، زنان از تعدیل‌کننده‌های بیشتری در نوشته‌های خود نسبت به مردان استفاده می‌کنند؛ بنا بر این به نظر می‌رسد که تعداد تعدیل‌کننده‌ها در متن یکی از معیارهای مهم برای تمایز نوشتار زنان از مردان است.

نتیجه

مقایسه کاربرد رنگ‌ها در رمان‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد اغلب نویسندگان ما در این پژوهش از عنصر رنگ به درستی استفاده نکرده‌اند. به‌طور کلی باید گفت دانشور از میان زنان و افغانی از میان مردان، موفق‌تر بوده‌اند. علیزاده اگرچه مسأله تنوع و گوناگونی رنگ‌ها را به‌عنوان یک زن رعایت کرده؛ لیکن این عمل را بیش‌تر برای مردان به‌کاربرده که برخلاف قوانین روان‌شناسی رنگ‌هاست. گلشیری هم اگرچه کمیت را به‌درستی رعایت کرده؛ لیکن به‌عنوان یک مرد نتوانسته به‌خوبی از تنوع رنگ‌ها بهره‌برد و جنسیت قهرمانان خود را بارزتر نشان دهد. دو نویسنده دیگر ما یعنی زویا پیرزاد و احمد محمود به‌طور کامل از این حیث ضعیف عمل کرده‌اند و آثارشان از این منظر نیاز به‌دقت و تأمل بیشتر و چه‌بسا بازنگری دارد.

مقایسه کاربرد دشواژه‌ها نشان می‌دهد در اغلب رمان‌های زن نوشته زبان فارسی از دشواژه‌ها برای نشان دادن جنسیت قهرمانان خود به‌درستی استفاده نشده‌اند، انتظار می‌رفت نویسندگان زن برای قهرمانان زن، از دشواژه کمتری استفاده کنند، لیکن کلاً به دلایل دیگری از قبیل موقعیت اجتماعی کاراکترها، میزان تحصیلات و فرهنگ خانوادگی و اجتماعی آن‌ها، برخلاف موازین زبان‌شناسی جنسیت، از این عنصر زبانی استفاده کرده‌اند. در بین رمان‌های زن نوشته، این هنجارشکنی بیشتر به چشم می‌خورد؛ اما مردان هم اگرچه به‌درستی از این عنصر زبانی استفاده نکرده‌اند و کم و بیش عدول از هنجار در آثارشان مشهود است؛ لیکن غالباً یا درصد دشواژه‌های زنان و مردانشان مساوی است و یا تفاوت محسوسی در آن‌ها دیده نمی‌شود. احمد محمود تنها نویسنده است که این عنصر زبانی را مطابق معیار به‌کاربرده است. افغانی و گلشیری نیز در استفاده از دشواژه‌های غیر رکیک به‌درستی عمل کرده‌اند.

مقایسه کاربرد تشدیدگرها در رمان‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد دانشور با کاربرد رقمی معادل ۴۴/۳۴ درصد تشدیدگر برای زنان در بین نویسندگان زن بیش‌ترین انحراف از معیار و علیزاده با بهره‌گیری ۵۰/۴۷ درصد تشدیدگر برای زنان کمترین انحراف معیار را دارد. پیرزاد با کاربرد رقمی معادل ۷۲/۷۳ درصد تشدیدگر برای زنان بالاترین درصد رعایت معیار را نشان

بررسی رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی قبل و بعد از انقلاب ❑ ۱۲۱

می‌دهد؛ اما در بین مردان افغانی با کاربرد ۴۸/۳۱ درصد تشدیدگر برای مردان و گلشیری با کاربرد ۳۶/۳۶ درصد تشدیدگر برای مردان نشان داده‌اند که این قاعده زبانی را به خوبی می‌شناسند و به درستی به کار برده‌اند. در بین مردان احمد محمود به دلیل حضور بیش‌تر قهرمانان مرد در بخش اعظم رمانش برای کاراکترهای مرد خود ۸۶/۶۶ درصد استفاده کرده که بدون در نظر گرفتن عوامل جانبی حکایت از کم‌توجهی نویسنده به این متغیر زبانی دارد.

مقایسه کاربرد صفات و واژه‌های عاطفی در رمان‌ها نشان می‌دهد که تنها دو اثر زن نوشته یعنی خانه ادیسی‌ها و چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم و یک اثر مرد نوشته؛ یعنی شوهر آهو خانم موفق به بهره‌گیری درست از این متغیر زبانی شده‌اند و دیگر رمان‌ها به دلایل جانبی در این زمینه موفق عمل نکرده‌اند.

نگاهی به کاربرد تعدیل‌کننده‌ها گویای آن است که نویسندگان زن توانسته‌اند از این عنصر زبانی به درستی استفاده کنند؛ اما نویسندگان مرد ناموفق عمل کرده‌اند.

منابع و مأخذ

- ۱- ارباب، سپیده. «بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج زبان فارسی در تداول عامه». نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ش ۴، سال ۲، صص ۱۰۷-۱۲۴، ۱۳۹۱.
- ۲- افغانی، محمدعلی. شوهر آهو خانم. چ ۲۰، تهران: نگاه، ۱۳۹۱.
- ۳- باطنی، محمدرضا. چهار گفتار درباره زبان. چ ۴، تهران: آگاه، ۱۳۷۵.
- ۴- پیرزاد، زویا. چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم. تهران: مرکز، ۱۳۹۰.
- ۵- جان‌نژاد، محسن، «زبان و جنسیت، تفاوت میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای»، رساله دکتری دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- ۶- جان‌نژاد، محسن، «زبان و جنسیت، تفاوت میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای»، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- ۷- علی‌زاده، غزاله. خانه ادیسی‌ها. چ ۵، تهران: توس، ۱۳۸۷.
- ۸- فالک، جولیا اس، «زبان‌شناسی و زبان»، بررسی مفاهیم بنیادی، ترجمه غلامعلی‌زاده، تهران: آستان قدس، ۱۳۷۲.
- ۹- گلشیری، هوشنگ. شازده احتجاب. چ ۱۴، تهران: نیلوفر، ۱۳۸۴.
- ۱۰- مدرسی، یحیی. درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۷.
- ۱۱- نرسیسیان، امیلبل. جنسیت. ترجمه بهمن نوروز زاده چگینی، تهران: افکار، ۱۳۸۱.
- ۱۲- نوشین‌فر، ویدا، «زبان و جنسیت»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند، ش ۱۵۲، صص ۱۸۱-۱۸۸، ۱۳۸۱.
- 13- Ghafar samar, R. & Alibakhshi, G. the Gender linked differences in the use of linguistic strategies in Face –to- Face, communication, linguistics journal, 3, 2007, pp 59-71.
- 14- Khosronejad, A, the role of gender on content analysis of English and Persian short stories. phd diss, tarbiat moallem univ, 2007.
- 15- Lokoff, R, Language and women's place, NewYork, Harper and Row, 1975.
- 16- Nemati, A & Bayer, J, Gender differences in the use of linguistic forms in the speech of men and women A comparative study of Persian and English, Glassa 3, 2007. Pp 185-201.